

## کامپیوتر و نظام مالیاتی

«تلاش کردیم که شبکه مالیاتی کشور کامپیوتری شود و درآمد اشخاص در هر نقطه‌ای ثبت و براساس آن مالیات گرفته شود، اما هر بار سراغ اجرای آن رفتیم دیدیم که دست‌های فراوان نشسته‌اند تا مانع از اجرای این طرح شوند. به وزیر اقتصاد گفتیم که چرا دو کارخانه که یک چیز تولید می‌کنند و به یک اندازه تولید خود را فروخته‌اند، علت چیست که یکی ۳۰۰ میلیون تومان مالیات داده است، اما کارخانه دیگر ۳ میلیون تومان هم مالیات نداده است. نظام مالیاتی فعلی عامل سوءاستفاده است.»

دکتر محمود احمدی‌نژاد، فروردین ۱۳۸۷، قم

واقعاً علت چیست؟ پرسش ساده است، اما پاسخ می‌تواند بسیار پیچیده شود و \_ چون در سازمان امور مالیاتی هنوز از کامپیوتر استفاده نمی‌شود \_ می‌تواند سالها وقت بطلد تا مسئله در کمیسیونهای مختلف حل اختلاف مالیاتی و شورای عالی مالیاتی رسیدگی گردد و در نهایت علت‌یابی شود. در این مدت کارخانه‌ای که ۳۰۰ میلیون تومان مالیات داده است توان رقابت را از دست خواهد داد و کنار خواهد رفت. کارخانه‌ای که ۳ میلیون تومان مالیات داده است در غیاب رقیب، به دلیل توسعه در یک محیط غیررقابتی، در رقابت با تولیدکننده‌های خارجی از پای خواهد افتاد، و احتمالاً به یک واردکننده محصولات خارجی تبدیل خواهد شد.

از سوی دیگر، سازمان امور مالیاتی از این دو کارخانه ۳۰۳ میلیون تومان مالیات گرفته است. سازمان امور مالیاتی در سالهای اخیر در کل توانسته است درآمدهای مالیاتی را نسبت به سال ماقبل بالاتر ببرد و حتی در بعضی از سالها از برنامه توسعه جلوتر باشد. افزایش درآمدهای

مالیاتی به گونه‌ای که بتواند وابستگی بودجه را به درآمدهای نفتی از بین ببرد از اهداف اصلی کشور عزیزمان ایران و از آرزوهای دیرینه مردم است. اما خواسته دیگر مردم رعایت عدالت در وضع مالیاتهاست.

وظیفه سازمان امور مالیاتی بر اساس قانون اخذ مالیات است و ماهیت این وظیفه چنان است که قدرت بزرگی را در اختیار این سازمان قرار می‌دهد. اگر این قدرت مقید به قانون نشود و تحت نظارت مستمر و دقیق قرار نگیرد می‌تواند به ناامنی اقتصادی بینجامد. از همین روست که در این سازمان برخلاف ادارات دیگر دولتی، یک واحد شبه قضایی به نام «دادستانی انتظامی مالیاتی» تشکیل شده است.

برای این که یک سازمان مالیاتی کارآمد داشته باشیم باید توازنی بین آزادی عمل ممیزین مالیاتی و نظارت بر عملکرد آنها داشته باشیم. آرزوی دیرینه کشور برای رهایی از اقتصاد وابسته به نفت نباید سبب آن شود که نظارت روی این سازمان کاهش یابد و ممیزین در اجرای هر کاری آزاد باشند، زیرا بدون هیچ تردیدی همچون سناریوی دو کارخانه‌ای که شرح دادیم، نه تنها به آن هدف دست نخواهیم یافت بلکه یک سرمایه مهم دیگر خود را از دست خواهیم داد: نخبگان کارآفرین و تولیدکننده ثروت. آنها جذب کشورهای دیگر خواهند شد.

**نمونه‌ای دیگر:** ممیز مالیاتی میزان مالیات یک واحد مسکونی اجاری را بی‌آن که تغییری به جز فرسودگی در آن به وجود آمده باشد برای سال ۱۳۷۹ بیش از دو برابر سال ۱۳۷۸ و برای سال ۱۳۸۰ بیش از ۱۷ برابر سال ۱۳۷۸ تعیین کرده است (به ترتیب سال: ۲۸۰ هزار تومان، ۷۵۰ هزار تومان، ۵ میلیون تومان). نتیجه ۱: مالیات‌دهنده با آن که سالها به‌موقع اظهارنامه مالیاتی خود را ارائه و به‌موقع مالیات اجاره واحد مذکور را پرداخت کرده است از خیر اجاره‌دادن ملک می‌گذرد و خود ساکن آن واحد می‌گردد، چون کسی حاضر نیست آن واحد را حتی با

یک چهارم مبلغ اجاره تعیین شده از طرف اداره مالیاتی اجاره کند. (حتی وسیله حمل‌ونقل برای ممیز مالیاتی فراهم گردید تا به انتخاب خودش چند کارشناس از آژانسهای املاک مختلف برای تعیین قیمت واقعی اجاره‌بها به واحد مسکونی مذکور برود. این پیشنهاد برای دادیار دادستانی انتظامی مالیاتی نیز مطرح گردید. کشف تخلف یکی از وظایف دادستانی انتظامی مالیاتی است.) نتیجه ۲: یکی از علل تعداد زیاد واحدهای مسکونی خالی. نتیجه ۳: کمک به گرانی مسکن و اجاره‌بها.

استفاده از نرم‌افزارهای نظارتی-امنیتی در کامپیوتر موجب می‌شود که کامپیوتر آهسته‌تر کار کند. از همین روی، بعضی از کاربران از نصب آنها خودداری می‌کنند و از سرعت عمل کامپیوتر خود لذت می‌برند. چنین کامپیوترهایی سرانجام روزی به داده‌ها ضربه خواهند زد، فرو خواهند پاشید، و از کار خواهند افتاد. به همین سان، اشتباه است اگر فکر کنیم که با حذف نظارت در سازمان مالیاتی، گذار از اقتصاد نفتی به یک اقتصاد شکوفای غیرنفتی سریعتر خواهد شد. برعکس، نظارت پیگیر و دقیق است که می‌تواند فضا را برای فعالیتهای اقتصادی امن کند و این گذار را سریعتر کند.

از همین روی، رئیس‌جمهور محترم مجبور می‌شود وظیفه نهادهای نظارتی را بردوش بگیرد و مسئله را با مردم در میان بگذارد. فراموش نکنیم که این دولت پروژه الکترونیکی-کامپیوتری کارت سوخت را در مدتی نسبتاً کوتاه با موفقیت در سراسر کشور انجام داده است و به خوبی با توانمندیهای مهندسی کامپیوتر کشور آگاه است.

۲۱ ماه پیش ما نیز درباره تأخیر در کامپیوتری شدن نظام مالیاتی هشدار دادیم. پیش از ما رسانه‌های دیگری نیز این هشدار را داده بودند. مشکلی را که ما در آن مقاله به عنوان نمونه ذکر کردیم درباره ابلاغ اوراق مالیاتی بود \_ که شاید مسئله پیش‌پاافتاده‌ای به نظر برسد، اما سوءاستفاده از قوانین ابلاغ می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری بر

**بخشی از مقاله «فناوری اطلاعات» که ۲۱ ماه پیش در شماره ۱۴۸ ماهنامه ریزپردازنده (شهریور ۱۳۸۵) چاپ شده است:**

### شبکه‌های کامپیوتری و اداره مالیاتی

سه سال از بررسی یک اعتراض در «اداره امور مالیاتی شمال تهران» گذشته است، مالیات‌دهنده به طور اتفاقی برای پیگیری پرونده به اداره امور مالیاتی شمال تهران تلفن می‌زند و متوجه می‌شود که برگه رأی صادر شده است و ادعا می‌شود که دو بار (به فاصله ۱۵ روز) برای ابلاغ مراجعه شده است و کسی در محل ابلاغ حضور نداشته است. (در صورت عدم حضور مؤدی، این برگه باید الصاق می‌شد.) مهلت ۳۰ روزه اعتراض بعدی روبه پایان است.

مالیات‌دهنده که سالها انواع قضایای آب و برق و گاز و تلفن را دریافت کرده است و به ندرت با گم شدن آنها برخورد کرده است به اداره مالیاتی مراجعه می‌کند و مسئله را با رئیس اداره در میان می‌گذارد؛ پاسخ او این بود: «بروید شکایت کنید.» این پاسخ شاید ده سال قبل، یا صد سال قبل پاسخ درستی بود، ولی در عصر اطلاعات و در دهکده جهانی پذیرفتنی نیست. اتفاقاً یک هدف فناوریهای اطلاعات آن است که دیگر مردم به دلیل چنین موضوعاتی به دادگاه مراجعه نکنند.

حق اعتراض این مؤدی و بسیاری از مؤدیان دیگر همواره می‌تواند به دلیل قوانین ابلاغ کاملاً قدیمی و حتی باستانی نقض شود. آیا مأمور ابلاغ نمی‌تواند نامه را دور انداخته باشد؟

امروزه فناوریهای فراوانی برای ابلاغ و اطلاع‌رسانی درباره آنها به کسانی که ذینفع هستند وجود دارد؛ تلفن ثابت، تلفن همراه، SMS، ایمیل، وب، ماهواره، شبکه کامپیوتر و فکس نمونه‌هایی از آنهاست.

رسیدگی به اعتراض مؤدی در کمیسیون بدوی ۳ سال به درازا کشیده است. اگر اداره امور مالیاتی شمال تهران از شبکه کامپیوتری بهره می‌گرفت، می‌توانست در کمتر از یک ماه به پرونده رسیدگی کند. اگر سازمان مالیاتی در ادارات خود از شبکه کامپیوتری بهره می‌گرفت، استعلام از یک حوزه دیگر مالیاتی و یک اداره دیگر مالیاتی به سه سال وقت نیاز نداشت. کافی بود که رسیدگی‌کننده با موش خود یک یا چند کلیک کند. نظر به این که هزینه برپایی یک شبکه کامپیوتری چندان زیاد نیست، این پرسش به صورتی جدی مطرح می‌شود که آیا اداره مالیاتی شمال تهران و سازمان مالیاتی به‌عمد از مزایای کامپیوتر و فناوریهای نوین اطلاعاتی استفاده نمی‌کنند و دلیل خاصی برای آن دارند؟ (کمیسیون بدوی ۳ سال طول کشیده است، اگر مسئله در کمیسیون تجدید نظر نیز سه سال و در شورای عالی مالیاتی نیز سه سال طول بکشد، احتمال انصراف مالیات‌دهنده از اعتراض خود چقدر می‌شود؟) □

مالیات‌دهنده در پیگیریهای بعدی خود در سازمانی دیگر متوجه ناهمخوانی‌هایی در تاریخ اوراق مالیاتی و ثبت کامپیوتری آن سازمان دیگر می‌شود. از واحدی که مسئولیت نظارتی-مراقبتی دارد می‌خواهد که ضمن رسیدگی به مسئله یک کپی از دیسک سخت آن کامپیوتر تهیه کند تا او بتواند برای پیگیریهای بعدی به آن استناد کند. آن واحد قول رسیدگی و تهیه کپی می‌دهد، اما یک سال و نیم است که هر بار که مالیات‌دهنده از نتیجه می‌پرسد پاسخ می‌دهند که «در حال رسیدگی هستیم». در صنعت الکترونیک قانونی هست مشهور به **قانون مور:** «هر یک سال و نیم تعداد ترانزیستورهای ریزپردازنده‌ها ۲ برابر خواهد شد.» این قانون حدود ۴۰ سال است که صادق بوده است. اما یک سال و نیم است که این واحد نظارتی بررسی یک دیسک سخت را تمام نکرده است.

جالتر آن که وقتی یکی از مسئولین دادستانی انتظامی مالیاتی، پیگیری جدی مالیات‌دهنده را می‌بیند، صریحاً و با لحنی حق به جانب \_ که گویا مصلحت این است \_ چنین می‌گوید: «اگر در زمان ابلاغ کسی در محل ابلاغ حضور نداشته باشد، مأمور ابلاغ برگه مالیاتی را در محل الصاق نمی‌کند، و ما نمی‌دانیم با آن برگه چه می‌کند.» در حالی که طبق قانون باید الصاق شود. نتیجه این نوع مصلحت‌سنجی و عدم رعایت قانون، آیا اعتماد مردم به دولت را کاهش نخواهد داد؟

استفاده از کامپیوتر برای امور مالیاتی چنین مسائلی را حل خواهد کرد، و حتی وضع مالیاتهای نابرابر را برای واحدهای مشابه دشوار خواهد ساخت، و نظارت را آسان خواهد کرد، و بهترین راه رسیدن به یک اقتصاد شکوفای غیرنفتی خواهد بود. □

پیکر اعتماد بین مردم و دولت به وجود بیاورد. استفاده از کامپیوتر و ایمیل در ابلاغ اوراق مالیاتی کار بسیار ساده‌ای است، هزینه اجرای بسیار پایینی دارد، و عیوب ابلاغ به شیوه سنتی را برطرف می‌کند. استفاده از ایمیل و پیامک در کنار ابلاغ به شیوه سنتی \_ که قانوناً باید اجرا شود \_ میزان اعتماد فی‌مابین مردم و دولت را تقویت خواهد کرد و حتی میزان فرار مالیاتی را کاهش خواهد داد. برای این که آثار مثبت استفاده از کامپیوتر را در ابلاغ اوراق مالیاتی دریابیم، یک بار دیگر بعضی از مسائل مربوط به نمونه ذکرشده را شرح می‌دهیم:

ممیز مالیاتی در طول سه سال بررسی از طریق تلفن (و حتی در یک مورد از طریق پیغام توسط همسایه) بارها از مالیات‌دهنده می‌خواهد که برای گرفتن دعوتنامه جلسه هیئت حل اختلاف مالیاتی به اداره مالیاتی برود و همچنین تأکید می‌کند که برای حل مسئله حتماً در جلسه شرکت کند. اما پس از صدور رأی، برگه رأی صادره به دست مالیات‌دهنده نمی‌رسد (این بار دیگر کسی تلفن نمی‌زند و به همسایه‌ها پیغام نمی‌دهد). مالیات‌دهنده که ضمن پیگیری خود از صدور رأی مطلع می‌شود، به این نتیجه می‌رسد که سه سال رفت‌وآمد و تشکیل جلسه صرفاً برای خسته کردن او و منصرف‌ساختن او از اعتراض بوده است، و عدم وصول برگه رأی بی‌دلیل و بی‌انگیزه نبوده است. شکایت‌نامه‌ای را درباره عدم رعایت قانون در ابلاغ برگه رأی تنظیم می‌کند و به اداره دادستانی انتظامی مالیاتی می‌برد. مالیات‌دهنده در آنجا انسانهای مهربانی را می‌بیند که به او پیشنهاد می‌کنند به جای طرح شکایت، مسئله را شرح دهد تا آنها با مشاوره حقوقی خود مشکل را حل کنند \_ یعنی تمایل بر این است که به جای وظیفه نظارتی خود، که اهمیت آن را پیشتر گفتیم، نقش یک انجمن مشاور مالیاتی را بازی کنند. مالیات‌دهنده بر طرح شکایت خود اصرار می‌ورزد. دادستانی انتظامی مالیاتی چند روز بعد نتیجه رسیدگی خود را تلفنی به مالیات‌دهنده اطلاع می‌دهد. اما نتیجه هیچگاه کتباً ابلاغ نمی‌شود.